

خلاصہ شرح عرفانی، نہج البلاغہ

قرآن کریم تنزل حقایق و معارف الهی از مقام اسم اعظم به مرتبه جلوه خاص‌الخاص در عالم کثرت است. سخنان مولایمان امیرالمؤمنین(ع) و سایر ائمه هدی نیز چنین است با این تفاوت که از یک‌سو کلام مولا تنزل‌یافته وحی الهی و بیان و تفسیر آن است و از سوی دیگر الفاظ قرآن کریم در طول تاریخ به همان صورت که نازل شده محفوظ مانده، اما سخنان مولا(ع) گاه نقل به معنا شده و گاه با زوائد و نقایصی همراه گشته است؛ از این رو است که فهم حقایق کتاب الهی بدون آن بیان و تفسیر ممکن نیست. ظاهراً فهمیده می‌شود اما باطنش هرگز دریافت نمی‌شود. درک این معنا جز از طریق حقیقت توحید و مقام و جایگاه اسم اعظم الهی یا انسان کل در مجموعه آفرینش میسر نمی‌شود.

همان‌گونه که فراز و فرود وحی الهی در قرآن کریم تابع فهم ظاهری و باطنی و شرایط مخاطبان می‌باشد، کلام مولا(ع) نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. مخاطب اکثر خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت(ع) مردمانی هستند که اکثراً سرکش و نافرمان‌اند و با فرمانروایان و کارگزاران ستم‌گرند .

اما از آن جا که مولا(ع) در جایگاه امامت و امارت بر مؤمنین که پایین ترین مرتبه معنوی آن حضرت(ع) است در صدد تعلیم و آموزش و تربیت خلق است، حقایقی که از باطن آن حضرت(ع) بر ظاهر او آشکار می گردد آن چنان تنزل یافته و به گونه ای در قالب الفاظ آمیخته شده است که برای عامه خلق قابل فهم باشد. این امر سبب گشته است برخی تصور کنند که عبارات نهج البلاغه بیان کننده اوج معارف الهی از سوی آن حضرت(ع) است؛ در حالی که نهج البلاغه آینه کمال سخنان و کمال معنوی آن حضرت(ع) نیست، بلکه کمال جایگاه معنوی آن حضرت(ع) و اوج معارف الهی را باید در کلمات و خطبه های دیگر آن حضرت مثل خطبه البیان و حدیث نورانیت جست و جو کرد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که عنوان این کتاب مقدس یعنی (نهج البلاغه) نشان می دهد که سیدرضی در این کتاب به دنبال جمع آوری سخنان بسیار فصیح و بلیغ مولا(ع) بوده است و نه سخنان ناب الهی که ذکر آنها رفت. با این وجود چنین سخنانی در این کتاب مقدس حتی در میان سخنان حکمت آمیز، کمیاب است که مرحوم سید رضی یا به آن کلمات دسترسی نداشته و یا از باب تقیه که مبادا به غلو متهم شود، یا به دلیل این که این سخنان را قابل فهم برای عامه مردم نمی دانسته است، از آوردن آنها در این مجموعه خودداری کرده است. و چنان که قبلاً هم در شروع و نیز ضمن شرح عرفانی خطبه های نهج البلاغه متذکر شد؛ مجموعه مطالبی که مرحوم سید رضی از امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه گردآوری کرده، مجموعه سخنانی است که مخاطبش عامه مردم هستند یعنی درواقع سخنانی است که امیرالمؤمنین(ع) از موضع امامت و پیشوایی خلق این سخنان را فرموده اند نه از موضع ولایت و نه از موضع انسان کل، مگر استثنائاً در بعضی عبارات مطالب خاصی را فرموده باشند، و الا اکثر قریب به اتفاق مطالب نهج البلاغه، مطالبی است که از منظر و جایگاه امامت مطرح شده و اکثر سخنان آن حضرت(ع) ناظر به تعلیم

حقایق و معارف بلند الهی نیست، بلکه سخنانی است که مخاطب آن‌ها عامه خلق هستند و در حد فهم، نیازها و حوائج دنیوی آنان است. حتی اگر به حکمت‌ها توجه شود؛ گویا سخنان یک پیشوای عالم و دانا و حکیم است که برای مردم حکمت‌هایی را بیان می‌دارد و به آنان آموزش می‌دهد. درواقع ما بایستی به حکمت‌های نهج‌البلاغه با این دید نگاه کنیم.

به همین دلیل کتاب حاضر که شرح عرفانی حکمت‌های نهج‌البلاغه می‌باشد؛ جنبه تاویلی آن محدود به بعضی از عباراتی است که نیازمند شرح بیشتری می‌باشد. و الا بیشتر جنبه تفسیر ظاهری است که تنها با ترجمه و شرح مختصر همراه شده است.